



گفت و گوی «آتیه‌نو» با کیوان ساکت

## هنر محصول روح اجتماعی هنرمند است

وقتی در باب موسیقی اصیل ایرانی سخن می‌گوییم، تعداد نام‌های مقبول، نه انگشت شمار که کم‌شمارند. کیوان ساکت، ۵۹ ساله، نویسنده کتاب‌های ردیف موسیقی ایران که توسط مدرسان تار و سه‌تار تدریس می‌شود، یکی از همین نام‌های ماندگار است. همشهری مرحوم شجریان، در سال ۱۳۷۵ گروه وزیری را تأسیس و آثار زیادی را با این گروه اجرا کرد؛ اما قبل از آن، در سال ۱۳۶۹ به دعوت مرحوم پرویز مشکاتیان به عنوان تک‌نواز به گروه عارف دعوت شد و حاصل این همکاری آثاری است نظیر «افشاری مرکب»، «افق مهر»، «وطن من» با صدای مرحوم ایرج بسطامی و «مقام صبر» از ساخته‌های مشکاتیان با تکنوازی تار و سه‌تار کیوان ساکت و آواز علیرضا افتخاری. حاصل هم‌کلام شدن این هنرمند با آتیه‌نو را در زیر می‌خوانید:

و عاطفی و هنری مردمان این دیار همواره جاودان بماند. آثار ایشان همواره بر سر زبان‌ها خواهد بود و به گمان من، او آواز را به قله‌ای رساند از اوج، زیبایی، دانش، مهارت، تکنیک و تسلط که کسی - لااقل به این زودی‌ها - نتواند آن را فتح کند. به عنوان یک هنرمند پیشکسوت، جایگاه حمایتی سازمان‌ها و نهادهای بیمه‌گر همچون تأمین اجتماعی در برابر هنرمندان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بی‌گمان بیمه و تأمین هنرمند در دوران پیری و از کارافتادگی یکی از بدیهی‌ترین مواردی است که نه تنها هنرمندان بلکه همه مردمان یک جامعه و یک کشور به آن نیاز و آن را انتظار دارند؛ به‌ویژه هنرمندان که در ساخت فرهنگ و روحیه امیدبخش و روحیه زیبا و ساخت جامعه‌ای سالم از لحاظ روحی و از لحاظ رفتاری می‌توانند بسیار نقش‌آفرین باشند. تأمین امنیت هنرمندان به صورت بیمه چه در دوران میانسالی و کهنسالی انتظاری است که همه هنرمندان و همه مردم از یک دولت دلسوز و فداکار دارند.

در آن باشد راه‌رگز به حافظه تاریخی خود نمی‌سپارند. متأسفانه خبر درگذشت استاد بی‌بدیل آواز ایران، محمدرضا شجریان جامعه هنر ایران بخصوص موسیقی ایران را در سوگ نشانند. در مورد ایشان بگوئید.

در دوره معاصر استاد شجریان شخصی بود که دست روزگار در مورد ایشان به گونه‌ای خاص رقم خورد. تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیر او برای فراگیری آواز و موسیقی در کنار تسلط بسیار خوب‌اش به هنر خوشنویسی و آشنایی با این هنر و همچنین ادبیات و آشنایی با ساختن ساز و نوازندگی سنتور در کنار حشر و نشر با بزرگان ادبیات ایران (مانند اخوان ثالث، شفیعی کدکنی، هوشنگ ابتهاج و...) موجب شد تا از وی، یک استاد بی‌بدیل در زمینه آواز که بسیار مسلط به شعر و مفاهیم شعری نیز بود به وجود آید. در نهایت نیز دست در دست هم گذاردن همه اینها باعث شد خاطره و یاد استاد شجریان تا ایران و ایرانی هست در حافظه تاریخی

کلام در کنار هم ماندگار شد. به نظر شما آیا آهنگساز و خالق یک تصنیف اشعار و خوانندگان خاصی را برای اثرش برمی‌گزینند؟ موسیقی یک پدیده اجتماعی است و انسان هم یک موجود اجتماعی است و اینها در کنار هم تأثیر می‌پذیرند و از هم جدا نمی‌توانند. این موضوع برمی‌گردد به شرایط اجتماعی هر عصر. اصولاً هنر محصول روح اجتماعی زمانه هنرمند است. اگر شرایطی که حاکم بر اجتماع است شرایط آرامش‌بخشی باشد و یا بالعکس، تأثیر آن بر آثار هنرمند قابل مشاهده است. مثلاً شما در زمان گله‌ها، دوره خالقی و مرتضی‌مجبوبی آثاری که تولید شد می‌بینید چه آثار زیبا و آرام‌بخشی هستند و امروز که جامعه در تلاطم قرار دارد و آشفته است این آشفتگی در آثار موسیقایی هنرمندان کاملاً احساس می‌شود. بعضی از خواننده‌های معاصر آثارشان نماینده پریشان‌حالی و آشفتگی جامعه امروزشان است و برای همین این آثار هرگز ماندگار نخواهند بود؛ چون جامعه و مردم، آثاری که هنجارگسیختگی

گزینش اشعار به چه صورت بود؟ به هر حال هر شعری یک پیامی دارد. شعری حماسی است؛ شعری عاشقانه است و شعری ملی - میهنی است. هنرمند آهنگساز باید ببیند آن احساسی که اکنون دارد یا احساس موسیقایی که می‌خواهد آن را تبدیل به نغمه آهنگین کند، چه شعری را می‌طلبد. در این باره مثالی می‌زنم. دلیل جاودانه شدن تصنیف «مرغ سحر»، به نظر من، هم تلفیق و پیوند درست میان شعر و کلام بود و هم مضمون خود ترانه و شعر که «مرغ سحر» را یک ترانه اجتماعی ملی - میهنی تبدیل کرد. آهنگ «مرغ سحر» در ابتدا یک رنگ ماهر بود. زمانی که ملک‌الشعرا بهار در اصفهان تبعید بود، در آنجا این آهنگ را می‌شنود و خیلی خوشش می‌آید و خواهش می‌کند تا آن را کندتر اجرا کنند که از حالت رنگ‌گونه خارج و تبدیل به یک تصنیف شود و چون آن موقع این تصنیف مورد توجه قرار گرفت و همه خواننده‌ها هم آن را خوانند تبدیل به تصنیفی شد که به دلیل پیوند درست شعر و موسیقی و فحوای مطالب شعر، خود معنای شعر و آهنگ ساختند.

**کزارش**  
اصولاً ساخت ملودی بر روی اشعار چگونه صورت می‌گیرد؟

این موضوع سابقه طولانی دارد که به بیش از چند صد سال قبل بازمی‌گردد. در آنجا ما در موسیقی قدیم ایرانی ۱۷ قالب و فرم و گونه مختلف آهنگ داشتیم؛ مثل فروداشت، برداشت، قول و غزال و امثال آن که اینها همه غیر از یک فرم که بر داشت نام داشت، موسیقی بیکلام بود و بقیه باکلام همراه بودند و روی شعرهای از قبل سروده شده ساخته می‌شدند. از آن سال‌ها تاکنون فاصله طولانی و زیادی می‌گذرد. جالب است بدانید نخستین کسی که روی شعر، ملودی ساخت، استاد علینقی وزیری بود. پیش از وزیری، عارف و شیدا که آهنگساز ترانه‌سرا بودند گاه روی اشعار خود آهنگی می‌نواختند و یا آهنگی می‌ساختند و روی آن شعر می‌گذاشتند. یعنی هم‌زمان با هم شعر و آهنگ ساخته می‌شد اما استاد وزیری و مرحوم روح‌الله خالقی در بین معاصران نخستین کسانی هستند که بر روی اشعار شعری پیشین کار کردند و آهنگ ساختند.



اعظم زنگی  
روزنامه‌نگار

**بعضی از خواننده‌های معاصر آثارشان نماینده پریشان‌حالی و آشفتگی جامعه امروزشان است و برای همین این آثار هرگز ماندگار نخواهند بود**

## معرفی کتاب «سواد رسانه‌ای»

به داشته‌های تان بیفزایید.» نویسنده در ادامه درباره فصل‌های مسأله‌محور کتاب خود می‌نویسد: «شش فصل مسأله به شما کمک می‌کند تا از ساختارهای دانش خود استفاده کنید و در واکاوی این مناقشات توان مهارت‌های خود را بیفزایید؛ از دیدن زیبایی پیچیدگی آن‌ها لذت ببرید و نظر آگاهانه خود را درباره هر کدام از آن‌ها بسازید». مسائلی نظیر مالکیت رسانه‌ها، ورزش، اخبار جعلی، نقد تبلیغات، شیوع خشونت در محتوای رسانه‌ای و حریم خصوصی در این شش فصل مورد بررسی قرار گرفته است.

صورتی جذاب، امتداد آنچه طی فصل گفته‌ام، باشند. همچنین، چون این روزها رسانه‌ها و محتوای آن‌ها به سرعت در حال تغییرند، چند منبع اطلاعات (معمولاً وب‌سایت) فراهم آورده‌ام و شما می‌توانید به‌روزترین اطلاعات درباره هر موضوع را در آن‌ها پیدا کنید. نخستین‌باری که این ۱۵ فصل آموزشی را می‌خوانید، روی مهم‌ترین ایده‌ها تمرکز کنید تا ساختارهای دانش خودتان را شکل دهید؛ سپس وقتی این ساختارها را فراهم آوردید، دوباره به سراغ فصل‌ها بروید و آن‌ها را بخوانید تا جزئیات موردنیاز را برای بسط دادن فهم‌تان

را دهد تا دانش افراد از ساختارهای دانش در چهار حوزه سازمان یابد. این حوزه‌ها عبارتند از دانش درباره صنایع رسانه‌ای، دانش درباره مخاطبان رسانه‌ها، دانش درباره محتوای رسانه‌ای و دانش درباره اثرهای رسانه‌ای. نویسنده در معرفی فصل‌های آموزشی کتاب خود آورده است: «این فصل‌ها فهرستی از کتاب‌ها، مقاله‌ها و وب‌سایت‌ها را برای خواندن بیشتر عرضه می‌کنند تا به شما کمک کنند اطلاعات بیشتری به دست آورید و بتوانید برای خودتان مباحث را بیشتر بسط دهید. من این منابع را طوری انتخاب کرده‌ام که به

«سواد رسانه‌ای» عنوان اثر تازه‌ای است که به قلم «دبلیو جیمز پاتر» و با ترجمه «احسان شاه‌قاسمی» منتشر شد. شاه‌قاسمی استاد درس سواد رسانه‌ای در دانشگاه تهران است. همچنین قرار است از ترم امسال کتاب پاتر در دانشگاه تهران تدریس شود. «سواد رسانه‌ای» به دنبال آن است تا نشان دهد رسانه‌ها چگونه باورها و الگوهای رفتاری افراد را شکل می‌دهند. این کتاب از ۱۵ فصل آموزشی و شش فصل مسأله‌محور تشکیل شده است. هدف ۱۵ فصل آموزشی این است که به مخاطب چارچوبی از ایده‌ها



زیبا را به عنوان یکی از زیباترین و دلنشین‌ترین و جاودانه‌ترین تصانیف موسیقی ایران به نام «مرغ سحر» تبدیل کرد. البته کم نیستند بزرگان آهنگسازی در موسیقی ایران که با انتخاب شعر درست و بجا و درآمیختن و افزودن موسیقی مناسب بر روی آن، خالق تصانیف و ترانه‌های ماندگاری در موسیقی سنتی ایران شدند که از جمله آنان می‌توان به مرحوم عارف قزوینی، علی‌اکبر شهیدا و همچنین دیگر آهنگسازان کشورمان اشاره کرد. به هر حال، انتخاب نوع شعر و تلفیق آن با موسیقی مناسب همان شعر، خود هنری است سترگ که برخی آهنگسازان و تصنیف‌سازان با شناخت و تبحری که در این دوهنر دارند با تلفیق آن، خالق آثاری وزین و ماندگار و جاودان می‌شوند.